

تحلیلی بر تأثیر اختلاف قرائت در «أُولَامَسْتُمُ النِّسَاءِ» بر گفتمان فقهی قرضاوی

محمد رضا ستوده‌نیا*
فاطمه طائبی اصفهانی**

چکیده

اختلاف قرائت‌های قرآنی در برخی از آیات، باعث اختلاف در برداشت و فهم مفسران، مترجمان و فقها شده است. در این مقاله با توجه به چرایی عدم مصافحه با نامحرم و نظرات مفسران و علما با استناد به آیه «أُولَامَسْتُمُ النِّسَاءِ» به بررسی اختلاف قرائت‌های آیه مذکور و اثر آن بر آراء مفسران و فقیهان پرداخته می‌شود و با بیان اختلاف قرائت دو واژه «لامستم» و «لمستم» و بررسی وجوه قرائت‌ها و احتجاج‌های هر قرائت، با نگاهی تحلیلی نشان داده می‌شود که تنوع برداشت‌های حکمی از این آیه ناظر به اختلاف قرائت‌های آیه است و توجه به قرائت‌ها؛ تفاسیر و فتاوی مختلف را ایجاد کرده است. نگارندگان در این مقاله با شیوه تحلیلی - تطبیقی به بررسی ترجمه‌های آیه ۴۳ پرداخته‌اند و با ارائه دیدگاه‌های فقهی، قرائی و روایی، ضعف و لغزش برخی از ترجمه‌ها و فتواها را در عبارت «لامستم النساء» نشان داده‌اند.

واژگان کلیدی

آیه ۴۳ نساء، آیات الأحکام، اختلاف قرائت، مصافحه.

m.sotudeh@Ltr.ui.ac.ir

*. دانشجویار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول).

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان و طلبه سطح چهار حوزه علمیه خواهران اصفهان.

taebi1379@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۲۲

طرح مسئله

قرآن برای هدایت همه نسل‌ها است، چنانچه خدای متعال می‌فرماید: «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» (فرقان / ۱) در این کلام الهی که برای هدایت ابدی بشر است، هر واژه یا کلمه براساس حکمتی صورت گرفته است. اختلاف قرائت در برخی واژگان قرآنی تأثیر در علوم دیگر مانند فقه، تفسیر، کلام، نحو و ترجمه دارد. از همین قبیل است اختلاف قرائت در کلمات «لَمَسْتُمْ» و «لَامَسْتُمْ» که هر کدام احکام ویژه‌ای را به دنبال دارد. (زرکشی، ۱۳۹۱: ۱ / ۳۲۶؛ سیوطی، ۱۳۶۳: ۱ / ۲۷۸) در زمینه آیه حاضر با رویکرد اختلاف قرائت منبع خاصی دیده نشد اما کتاب‌ها و مقاله‌های متعدد اختلاف قرائت به این آیه اشاره گذرا داشته‌اند. (احمد بن محمد بنا، ۱۴۰۷: ۲۴۲؛ مقدسی دمشقی، ۲۰۱۰: ۴۱۸) و یا به تأثیرات اختلاف قرائت در علوم مختلف اشاره نموده‌اند و آیات دیگری را ذکر کرده‌اند. (بازمول، ۱۴۱۲: همای، ۱۳۷۳؛ نبیل بن محمد آل اسماعیل، ۱۴۱۹؛ فضلی، ۱۳۷۳) آنچه باعث تدوین مقاله حاضر شد استفاده از این تأثیرگذاری در جواز مصافحه در مقالات اهل سنت است. در میان علمای اهل سنت در باب موضوع مصافحه مرد با زن نامحرم، مطالب و فتاوی متناقضی ذکر شده است. در این باب یوسف قرضاوی صاحب دیدگاه «تقبل التغير بتغير المكان والزمان والحال»، می‌گوید: من در دبیرستان همچون استاد و شیخ بزرگمان، شیخ سید سابق که اصلاً پایبند به مذهب نبود و هیچ توجهی به آن نداشت، درس فقه می‌خواندم. اهالی روستایمان هم مثل بیشتر روستاهای ساحلی مصر، شافعی مذهب‌اند و من با بزرگان دینی روستایمان اختلاف داشتم و خود را ملتزم به مذهب شافعی نمی‌دانستم. یکی از موضوعاتی که من مطرح کردم و باعث تحریم و برانگیختن احساسات مردم شد، این بود که گفتیم: لمس کردن زن وضو را باطل نمی‌کند. در مذهب ابوحنیفه به‌طور عام و در هر صورت که باشد، وضو را باطل نمی‌کند. در نزد حنابله و مالکیان، لمس کردن زن، فقط همراه با شهوت است که وضو را باطل می‌کند. (قرضاوی، ۱۳۹۶: ۲۴) البته وی در جای دیگر می‌گوید: شافعی معتقد است که لمس زن [هرچند همسر و بدون شهوت باشد] وضو را باطل می‌کند و به این آیه استدلال کرده است که می‌فرماید: «أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ؛ و یا زنان را لمس کردید.» این نیز باعث مشقت مردم روستاها می‌باشد و هرکس که در آیه دقت کند می‌فهمد که نظر مذهب حنفی درست‌تر و روشن‌تر می‌باشد و به ادله گوناگون می‌پردازد. (قرضاوی، ۱۳۸۹: ۳ / ۶۴۲) ابوشقه نصوصی را نقل کرده که برخی بر جواز و برخی بر منع دلالت دارند. جمع‌بندی او از این روایات این است که اگر فتنه‌ای در کار نباشد، چنانچه امروز در میان خویشان مطرح است، مانعی ندارد. (ابوشقه، ۱۴۲۰: ۲ / ۹۳ - ۸۹) آنها در مستندات خود به شیوه بیعت پیامبر اکرم ﷺ استناد نموده‌اند که این مسئله از مسائل متعارض در روایات فریقین است. لذا در این اثر به توجیهاات قرائی و نظرات فقهی آنها پرداخته می‌شود.

بررسی گفتمان فقهی قرضاوی

یوسف قرضاوی از علمای اهل تسنن است که تلاش می‌کند مباحث سیاسی - اجتماعی امروز را در قالب فقه تجزیه و تحلیل نماید. (علیخانی، ۱۳۸۵: ۱۷۹) قرضاوی می‌گوید هرچند اجرای احکام غیر الهی مخالف اسلام است ولی کفر و خروج از اسلام به حساب نمی‌آید. (قرضاوی، ۱۹۹۹: ۶۴) وی اعتقاد دارد دو فقه انزوا و فقه ظاهرگونه در عرصه سیاسی و اجتماعی ناکارآمد و ناکافی‌اند. (همو، ۱۳۷۹: ۷۱) لذا عدالت شرعی را در همه امور اجتماعی و سیاسی مورد بازبینی قرار می‌دهد. او با استفاده از فقه مصلحتی به دفاع متفاوت از حقوق زنان می‌پردازد و تصدی مناصب سیاست و قضاوت و شهادت‌دادن و غیره را به گونه‌ای دیگر مطرح کرده است. (شیرودی، ۱۳۹۵: ۵۶) قرضاوی دارای تألیفات فراوانی است. گرچه مضامین تمامی آثار وی، تاکنون ضرورت بازگشت به اسلام اعتدالی را نشان می‌دهد، از زاویه‌های متعدد به این موضوع می‌پردازد. تاکنون بیش از صد جلد اثر از وی چاپ شده است. قرضاوی در آثار خود تلاش می‌کند تا جریان فکری میانه‌روی را در اندیشه اسلامی دنبال کند. همین ویژگی میانه‌رو بودن قرضاوی باعث شده است تا برخی از پژوهشگران اسلامگرا او را «علامه مجدد» بنامند و اندیشه او را به‌عنوان راه حلی برای خروج از بن‌بست تحمیل‌شده بر جنبش‌های اسلامی بدانند. قرضاوی در آثار خود مسائل جدید را با سبک کلاسیک و با استناد و کنکاش در آیات قرآن، روایات، سنت و تاریخ خلفای راشدین پیگیری و تحلیل می‌کند. در روش قرضاوی این نکته دیده می‌شود که او با سنجیدن مسائل در ظرف زمانی خود، ابتدا

مقبولیت عقلی و لزوم عملی آن را متذکر می‌شود و سپس، با استناد به آیات قرآن، آیاتی که چه‌بسا در وهله اول هیچ صبغه سیاسی - اجتماعی ندارند بلکه بیشتر وجهه عبادی - اخلاقی دارند، و سنت پیامبر ﷺ و خلفای اربعه، نظرهای خود را تحکیم می‌بخشد. حتی در مواردی با استناد به اقوال معاویه و عمر بن عبدالعزیز از آنها تمجید می‌کند و سخنان آنها را مبنای بحث خود قرار می‌دهد. (علیخانی، ۱۳۸۵: ۱۸۰ - ۱۷۹)

بررسی فتاوی فقهی در زمینه لمس و مصافحه

۱. مذهب حنفی

فقهای حنفی قائلند که لمس زنان چه با شهوت، چه بدون شهوت، چه محرم، چه غیر محرم، چه با دست، چه غیر دست وضو را نقض نمی‌کند. (کاشانی، ۱۴۰۶: ۱ / ۱۴۸)

۲. مذهب مالکی

فقهای مالکی قائلند که لمس زنان با شهوت چه با دست، چه غیر دست، چه موضع لمس مو باشد یا ناخن وضو را نقض می‌کند. بوسیدن چه با لذت، چه بدون آن حتی از روی غفلت یا با اکراه، نیز ناقض وضو است، مگر اینکه طفل کوچک را از روی رحمت یا محرمی را برای خداحافظی ببوسد. (انصاری قرطبی، ۱۳۵۳: ۵ / ۲۲۷)

۳. مذهب شافعی

در نظرات این گروه اختلافات زیادی مشاهده می‌شود آنچه بر آن اتفاق نظر وجود دارد مسائل زیر است: اگر پوست زن و مرد اجنبی با هم برخورد کند چه لامس مرد باشد، چه زن، چه با لذت، چه بدون آن، چه قصد داشته، چه سهوی و از روی خطا بوده باشد، ناقض وضو است. در اینجا تفاوتی وجود ندارد که یک لحظه برخورد کند یا ادامه دهد، یا عضو ملموس سالم باشد یا معیوب. (شافعی، ۱۴۱۰: ۱ / ۱۳؛ فیروزآبادی شیرازی، ۱۴۱۲: ۱ / ۲۴ - ۲۳)

۴. مذهب حنبلی

حنبله سه نظر مختلف دارند که براساس روایات احمد بن حنبل است. الف) لمس زنان با شهوت ناقض وضو است و بدون شهوت ناقض وضو نیست.

ب) لمس زنان در هر حال ناقض وضو است.

ج) لمس زنان در هیچ حالتی ناقض وضو نیست. ابن تیمیه قائل است مس بدون شهوت نه موجب وضو می‌شود نه استحباب وضو را ایجاب می‌کند. (ابن تیمیه، بی‌تا: ۱ / ۳۹۲)

محصل کلام محمد نعیم یاسین چنین است:

رجحان مذهب الحنفیة و من معهم: فی أنّ اللّمس بجمیع أشكاله لا ینقض الوضوء إلا إذا وصل الی حدّ المباشرة الفاحشة التي یغلب معها نزول شیء من الشخص المباشرة ولا فرق فی ذلك بین لا مس و ملموس، ولا بین قبلة و غیرها، ولا بین لمس الكبيرة و لمس الصغیرة، ولا بین لمس الأجنبية و لمس المحارم، ولا بین لمس من فوق حائل أو بدونه. (یاسین، ۱۴۰۷: ۲۱۷)

شیوه بیعت پیامبر اکرم ﷺ با زنان از مسائل متعارض در روایات فریقین است. در این زمینه پژوهش مفصلی صورت گرفته است که ارجاع به آن پاسخ‌گوی جواز مصافحه خواهد بود. در آنجا روایات در چهار گروه دسته‌بندی شده است: بیعت کلامی همراه با فعل جوارحی، بیعت جوارحی، بیعت کلامی، و جواز مصافحه زنان و مردان نامحرم به شرط وجود حایل. نتیجه بررسی محتوایی روایات مذکور، آن است که بسیاری از روایات متعارض، قابل جمع و مکمل یکدیگرند. تنها روایاتی که بیانگر جواز مصافحه بدون حایل است، پذیرفتنی نیست؛ (زمانی، حاجی اسماعیلی، ستوده‌نیا، ۱۳۹۴) لذا توجهات کسانی که بیعت پیامبر با زنان را دال بر جواز مصافحه دانسته‌اند، ابطال می‌شود. در همین راستا قرضاوی می‌نویسد:

لمس، ملامسه و مس، در قرآن کنایه از جماع است و به‌صورت استقراء تمام آیاتی که در آن کلمه مس به‌کار رفته به‌وضوح بر جماع دلالت می‌کنند. مانند این آیه که از زبان مریم بیان می‌دارد: «أَنِّي كُونُ لِي وَلَدٌ

وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرًا؛ چگونه مرا فرزندی خواهد بود، درحالی که انسانی با من نزدیکی نکرده است؟» (آل عمران / ۴۷) یا این آیه که می‌فرماید: «وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ؛ و اگر زنان را پیش از آن که با آنان تماس بگیرید (و آمیزش جنسی بنمایید) طلاق دادید» (بقره / ۲۳۷) و در روایات هم، چنین است اما عبدالله بن مسعود روایت است که پیامبر فرمود: «[أولاً مستمر النساء] هومادون الجماع وفيه الوضوء؛ ملامسه زنان غیر از جماع است و وضو لازم دارد.» بنا بر مذهب مالک و ظاهر مذهب احمد، لمس زنی، موجب نقض وضو است که با شهوت و لذت باشد و آیه [أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاء] را بر آن معنا تفسیر کرده‌اند. در قرائت دیگری [أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاء] وارد شده است. به همین دلیل است که شیخ الاسلام ابن تیمیه در فتاوی خود قول کسانی که ملامسه و لمس را در آیه به معنای صرف تماس پوست با پوست (هرچند بدون شهوت هم باشد) تفسیر کرده‌اند، ضعیف شمرده و از جمله چیزهایی که در این باره فرموده‌اند این است که: «و اما منوط کردن نقض وضو به صرف لمس، خلاف اصول، اجماع اصحاب و متون شرعی است و گوینده آن هیچ‌گونه نص و قیاسی ندارد؛ چراکه اگر در آیه [أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاء] منظور، لمس زن با دست و بوسه و یا امثال آن باشد همان‌طور که ابن عمر و دیگران بیان داشته‌اند پس معلوم است هر کجا در قرآن و سنت پیامبر لمس ذکر شود، مراد لمس با شهوت است. لذا در باب مصافحه با نامحرم اگر بدون شهوت بوده و در موارد ضرورت باشد، اشکالی ندارد. (قرضاوی، ۱۳۸۹: ۳ / ۶۴۲ - ۶۳۵)

این در حالی است که در فقه شیعه دست دادن زن و مرد نامحرم جایز نمی‌باشد. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵: ۸۴؛ تبریزی؛ سبحانی، ۱۳۷۵: ۱ / ۷۹)

بررسی جایگاه مصافحه و دست دادن در اسلام

در هر جامعه‌ای به فراخور سطح فرهنگی مردم آن، گونه‌ای از احترام و ابراز محبت در هنگام دیدار و رویارویی وجود دارد. یکی از رایج‌ترین نمادهای رفتاری در این زمینه، «دست دادن» است که از دیرباز تا کنون در میان جوامع مختلف بشری وجود داشته است. البته کاربرد «مصافحه» به ابتدای دیدارها محدود نمی‌شود، بلکه گونه‌هایی از آن برای پیمان بستن و اظهار وفاداری نیز به کار می‌رود. (مروجی طبسی، ۱۳۸۹: ۱۱۲) واژه «مصافحه»، از ریشه «صفح» گرفته شده است که به طور کلی، این واژه دو معنا دارد: یکی، بخشایش و گذشت و دیگری، گسترده و پهنا. (ابن منظور، ۱۴۱۶: ۲ / ۵۱۶ - ۵۱۰؛ مصطفوی، ۱۳۶۰: ۶ / ۲۴۷) ابن منظور در مورد معنای مصافحه گفته است: «مصافحه؛ یعنی گرفتن با دست. هنگامی که کسی کف دست دیگری را با گستره کف دستش بگیرد، می‌گویند آن دو مصافحه کرده‌اند.» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲ / ۵۱۴)

روایات بسیاری، مسلمانان را به مصافحه سفارش کرده‌اند. به طور مثال پیامبر در مورد اهمیت مصافحه فرموده است: «تحياتكم بينكم بالمصافحة؛ تحیت بین شما دست دادن است.» (طوسی، ۱۴۱۴: ۶۳۹) همچنین پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود: «من أخلاق النبيين و الصديقين، البشاشة إذا تراءوا، و المصافحة إذا تلاقوا؛ یکی از منش‌های پیامبران و صدیقان، خوش‌رویی هنگام دیدار، و دست دادن هنگام ملاقات (با دیگران) است.» (استادولی، ۱۳۸۱: ۴۳)

این در حالی است که دین مبین اسلام در پاره‌ای موارد، برای این کار نیک، قیود و شرایطی را مشخص کرده و گاهی مسلمانان را از دست دادن با برخی افراد باز داشته است که عبارت‌اند از: کافر (صدوق، ۱۴۱۳: ۴ / ۸) و نامحرم که با توجه به موضوع مقاله به ذکر حدیث در این مورد اکتفا می‌شود: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ مُصَافَحَةِ الرَّجُلِ الْمَرْأَةَ قَالَ لَا يَجِلُّ لِلرَّجُلِ أَنْ يُصَافِحَ الْمَرْأَةَ إِلَّا أَمْرًا يَحْرُمُ عَلَيْهِ أَنْ يَتَرَوَّجَهَا أَحْتٌ أَوْ يَنْتُ أَوْ عَمَةً أَوْ خَالََةً أَوْ ابْنَةَ أُخْتٍ أَوْ نَحْوَهَا فَأَمَّا الْمَرْأَةُ الَّتِي يَجِلُّ لَهَا أَنْ يَتَرَوَّجَهَا فَلَا يُصَافِحُهَا إِلَّا مِنَ وَرَاءِ الثَّوْبِ وَلَا يَغْمِزُ كَفَّهَا.» (کلینی، ۱۳۶۵: ۵ / ۵۲۵)

تحلیل و بررسی قرائی

حمزه و کسائی هم در اینجا و هم در سوره مائده «لمستم» را بدون الف و دیگران «لامستم» را با الف قرائت کرده‌اند. (اندلسی، ۱۴۲۰: ۳ / ۶۵۴) دلیل کسانی که بدون الف قرائت کرده‌اند این است که در قرآن کریم مواردی وجود دارد که این معنا به صورت ثلاثی مجرد بیان شده است، مثل: «لَمْ يَطْمِئُنْهُنَّ أَنْسٌ» (الرحمن / ۵۶ - ۵۵) یعنی انسانی ایشان را لمس نکرده است و مثل «وَلَمْ

يَمَسُّنِي بَشْرٌ» (مریم / ۲۰ - ۱۹) یعنی بشری مرا لمس نکرده است و کسانی که با الف قرائت کرده‌اند، «لمس» و «لامس» را به یک معنا گرفته‌اند، مثل «عاقبت اللص» بمعنی «عقب اللص» یعنی دزد را دنبال کردم. (نوری، ۱۳۶۰: ۵ / ۱۵۸) دلیل قرائت حمزه و کسانی این است که آنها لمس را مرحله پایین‌تر از جماع دانسته‌اند و دلیل قرائت دیگران روایت امام علی علیه السلام است که فرموده‌اند: «قوله: «أَوَلَمْ نَشْرِكْ لَإِنَّمَا تَدْعُوا بِاللَّاتِ وَالْعُزَّىٰ وَالْمَنَآتِ الذَّاتِ الْأُنثَىٰ» ای جامعتم، ولكن الله يكتفي». همچنین ابن عباس می‌گوید: لَمْ يَمَسُّهُمُ بِمَعْنَى جَمَاعِ كَرْدَنِ اسْت. (ابوزرع، ۱۳۹۴: ۲۰۶) لمس: مالیدن دست. سپس معنای آن توسعه پیدا کرده و بر تماس بدنی - به‌طور کلی - إطلاق شده است. (نوری، ۱۳۶۰: ۵ / ۱۵۹)

«لامستم» با الف به معنای جماع کردن می‌باشد این قول حضرت علی علیه السلام، ابن عباس، مجاهد، قتاده و ابوعلی الجبائی است و ابوحنیفه نیز این قول را اختیار نموده است. «لمستم» یعنی بدون جماع فقط لمس نماید. قائلین به این قول ابن مسعود، عبیده، ابن عمر، الشعبی، ابراهیم و عطاء است و شافعی نیز این قول را اختیار نموده است. نظر اول مورد قبول شیخ طوسی است. جبائی، بلخی، طبری و غیره نیز همین نظر را دارند. (طوسی، ۱۴۰۹: ۳ / ۲۰۵؛ رازی، ۱۴۰۸: ۲ / ۵۱۹)

۱. در اینجا جا دارد به تأثیر گذاری اختلاف قرائت (لَمْ يَمَسُّهُمُ / لَمْ يَمَسُّهُمُ) بر ترجمه‌ها اشاره شود: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرَضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا غَفُورًا. (نساء / ۴۳) در ترجمه این آیه دو معنا مشاهده می‌شود:

۱. نزدیکی، جماع، مباشرت و همبستر شدن (آیتی، ۱۳۷۴: ۸۵؛ اسفراینی، ۱۳۷۵: ۲ / ۴۹۱؛ الهی قمشاهی، ۱۳۸۲: ۸۵؛ انصاری، ۱۳۷۷: ۸۵؛ انصاریان، ۱۳۸۳: ۸۵؛ برزی، ۱۳۸۲: ۸۵؛ بروجردی، ۱۳۶۶: ۱۳۴؛ بلاغی، ۱۳۸۶: ۲ / ۴۳؛ ترجمه قرن دهم هجری، ۱۳۸۴: ۷۰؛ پورجوادی، ۱۳۷۳: ۸۴؛ نقفی تهرانی، ۱۳۹۸: ۵۸ / ۲؛ حلبی، ۱۳۸۰: ۸۵؛ خانی، ۱۳۷۲: ۷۹ / ۴؛ خسروانی، ۱۳۹۰: ۲ / ۳۰۹؛ خواجوی، ۱۴۱۰: ۳۲؛ دهلوی، ۱۴۱۷: ۱۸۱؛ رازی، ۱۴۰۸: ۵ / ۳۵۶؛ رضایی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۳: ۸۵؛ روحانی، ۱۳۷۷: ۱ / ۶۰۰؛ رهنما، ۱۳۴۶: ۱ / ۳۷۰؛ سراج، ۱۳۶۲: ۸۶؛ شعرانی، ۱۳۷۴: ۸۱؛ صادق نوبری، ۱۳۹۶: ۱ / ۷۵؛ صفارزاده، ۱۳۸۰: ۱۹۳؛ صفی علیشاه، ۱۳۷۸: ۱۴۵؛ طاهری قزوینی، ۱۳۸۰: ۸۵؛ فارسی، ۱۳۶۹: ۱۷۱؛ فیض الاسلام، ۱۳۸۷: ۱ / ۱۷۴؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ۲ / ۲۹۵؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۲ / ۳۶۷؛ کاویانپور، ۱۳۷۸: ۸۵؛ ترجمه تفسیر طبری، ۱۳۵۶: ۱ / ۲۹۷؛ مجتبی، ۱۳۷۱: ۸۵؛ مشکینی، ۱۳۸۱: ۸۵؛ مصباح زاده، ۱۳۳۷: ۵۹؛ مصطفوی، ۱۳۸۰: ۵ / ۳۹۰؛ معزی، ۱۳۷۷: ۵۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۸۵؛ موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ۴ / ۵۶۹؛ میبیدی، ۱۳۷۱: ۲ / ۵۱۱؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۳ / ۳۳۹؛ یاسری: ۸۵)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا زمانی که بدانید چه می‌گویید و [نیز] در حال جنابت [وارد نماز نشوید] - مگر اینکه راهگذر باشید - تا غسل کنید و اگر بیماری یا در سفرید یا یکی از شما از قضای حاجت آمد یا با زنان آمیزش کرده‌اید و آب نیافته‌اید، پس بر خاکی پاک تیمم کنید، و صورت و دست‌هایتان را مسح نمایید، که خدا بخشنده و آمرزنده است. (فولادوند، ۱۴۱۵: ۸۵)

۲. لمس کردن و تماس داشتن؛ ای اهل ایمان! در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا بدانید چه می‌گویید، و نیز در حال جنابت به نماز نزدیک نشوید، مگر مسافر باشید تا غسل کنید و اگر بیمار بودید یا آنکه در سفر هستید یا هنگامی که یکی از شما از قضای حاجت برگشت و یا با زنان تماس داشته و به آب دسترسی نداشته‌اید، یا خاک پاکیزه تیمم کنید، صورت و دست‌های خویش را مسح کنید که خدا بخشنده و آمرزنده است. (ارفع، ۱۳۸۱: ۸۵)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نزدیک نماز نشوید در حال مستی تا اینکه بدانید چه می‌گویید و نیز نزدیک نماز نشوید درحالی که جنب باشید، تا وقتی که غسل کنید، مگر در حال مسافرت (و نیافتن آب) و اگر مریض باشید یا قضاء حاجتی دست داده یا با زنان معاشرت کرده باشید و آب برای غسل نیافتید پس تیمم کنید بر خاک پاک و صورت و دست‌های خود را مسح کنید، همانا خداوند بسیار عفونکننده و بسیار آمرزنده است. (امین، ۱۳۶۱: ۴ / ۶۶)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا بدانید چه می‌گویید، و نه در حال جنابت [به نماز و مسجد نزدیک نشوید] مگر راهگذر باشید، تا زمانی که غسل کنید. و اگر بیمار یا مسافر بودید یا کسی از شما از قضای حاجت آمد و یا با زنان تماس داشتید و آن گاه آب نیافتید، بر خاکی پاک تیمم کنید و صورت و دست‌هایتان را مسح نمایید که خدا بخشنده و آمرزنده است. (بهرام‌پور، ۱۳۸۳: ۸۵)

شما که ایمان دارید! در آن حال که مستید، نزدیک نماز مشوید «تا بدانید چه می‌گویید» و نه وقتی که ناپاکید، مگر راه سپر باشید تا غسل کنید، و اگر بیمار بودید یا به سفر بودید یا یکی از شما از نماز گاه آمده یا به زنان دست زده‌اید، به خاکی پاک تیمم کنید و روها و دست‌های خویش را مسح کنید که خدا بخشنش‌گر و آمرزگار است. (پاینده، ۱۳۳۶: ۵۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید درحالی که مستید به محل نماز (مسجد) نزدیک نشوید تا بدانید چه می‌گویید و نه درحالی که جنب هستید، مگر درحالی که عبورکننده راه باشید تا اینکه غسل کنید، و اگر مریض یا مسافر بودید و یا یکی از شما از نشستگاه (محل قضای حاجت) آمد یا زنان را لمس کردید و آب نیافتید، پس بر خاک پاک تیمم کنید، پس صورت‌ها و دست‌هایتان را مسح کنید. همانا خداوند بخشنده و آمرزنده است. (جعفری، ۱۳۷۶: ۲ / ۴۴۵)

در متن ترجمه و متن تفسیر کوثر از آیه فوق مشاهده می‌شود: متن ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، درحالی که مستید به محل نماز (مسجد) نزدیک نشوید تا بدانید چه می‌گویید و نه درحالی که جنب هستید، مگر درحالی که عبورکننده راه باشید تا اینکه غسل کنید و اگر مریض یا مسافر بودید و یا یکی از شما از نشستگاه (محل قضای حاجت) آمد یا زنان را لمس کردید و آب نیافتید، پس بر خاک پاک تیمم کنید. پس صورت‌ها و دست‌هایتان را مسح کنید. همانا خداوند بخشنده و آمرزنده است.» (جعفری، ۱۳۷۶: ج ۲، ص ۴۴۵) متن تفسیر: لمس کردید، کنایه از آمیزش جنسی است. (جعفری، ۱۳۷۶: ۲ / ۴۴۶) که متن ترجمه و تفسیر متفاوت است.

نتیجه

۱. به نظر می‌رسد، با توجه به آنچه بیان شد: اختلاف قرائت در این آیه و احکام گوناگونی که در ذیل آن مطرح است ارتباطی با جواز مصافحه نامحرمان ندارد.
۲. برداشت‌های گوناگون فقهی در باب نقض وضو که در اثر اختلاف قرائت ایجاد شده منجر به مقالات متعددی همسو با نظریه فقهی نویسنده آن دارد البته اکثر اهل سنت قول به ملامسه و جماع را ترجیح داده‌اند گرچه باز در لابه‌لای مطالب صراحت به نقض یا عدم نقض وضو دچار تردید می‌شود.
۳. شیوه بیعت پیامبر اکرم ﷺ با زنان از مسائل متعارض در روایات فریقین است و تنها روایاتی که بیانگر جواز مصافحه بدون حایل است، پذیرفتنی نیست.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها

- قرآن کریم.

- ابن تیمیه، أحمد بن عبدالحلیم، بی تا، الإختیارات الفقهیة، جده، مجمع الفقه الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
- أبوزرعہ، عبدالرحمن بن محمد، ۱۳۹۴ ق، حجة القرائات، تحقیق سعید افغانی، بیروت، مؤسسه الرسالہ، ج ۵.
- أبوشقہ، عبدالحلیم محمد، ۱۴۲۰ ق / ۱۹۹۹ م، تحریر المرأة فی عصر الرسالہ، کویت، دارالقلم، ج ۵.
- أبومحمد، مکی بن أبی طالب، ۱۴۰۱ ق / ۱۹۸۱ م، الكشف عن وجوه قرائات السبع و عللها و حججها، تحقیق محیی الدین رمضان، بیروت، مؤسسه الرسالہ، ج ۲.
- أحمد بن محمد البنا، ۱۴۰۷ ق، إتحاف فضلاء البشر بالقراءات الأربعة عشر، مصر، عالم الکتب، مکتبة الکلیات الأزهریة.
- استادولی، حسین، ۱۳۸۱، آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، تهران، پیام آزادی، ج ۳.
- آمین اصفهانی، نصرت، ۱۳۶۱، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران، نهضت زنان.
- بازمول، محمد بن عمر بن سالم، ۱۴۱۲ ق، القرائات و أثرها فی الأحکام و التفسیر، مکه، جامعه أم القری.
- بلاغی، سید عبدالحجّة، ۱۳۸۶ ق، حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر، قم، حکمت.
- تقفی تهرانی، محمد، ۱۳۹۸ ق، تفسیر روان جاوید، تهران، برهان، ج ۲.
- جعفری، یعقوب، ۱۳۷۶، تفسیر کوثر، بی جا.
- خسروانی، علیرضا، ۱۳۹۰ ق، تفسیر خسروی، تهران، اسلامیة.
- رازی، أبوالفتوح حسین بن علی، ۱۴۰۸ ق، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تصحیح محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، ۱۳۹۱ ق، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دار المعرفة، ج ۲.
- سبحانی، جعفر، ۱۳۷۵، نظام النکاح فی الشریعة الإسلامیة الغراء، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- سیوطی، جلال‌الدین، ۱۳۶۳، الإیتقان فی علوم القرآن، تصحیح محمد أبوالفضل إبراهیم، قم، منشورات رضی و بیدار.
- شافعی، أبو عبدالله محمد بن إدريس، ۱۴۱۰ ق، الأم، بیروت، دار المعرفة.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۴۱۳ ق، کتاب من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- صفی‌علیشاه، حسن بن محمدباقر، ۱۳۷۸، تفسیر صفی، تهران، منوچهری.
- طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۳۷۴، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۶۰، مجمع البیان لعلوم القرآن، ترجمه حسین نوری و محمد مفتاح، تهران، فراهانی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۷، تفسیر جوامع الجامع، ترجمه حبیب روحانی، أحمد امیری شادمهری و اکبر غفوری، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ج ۲.

- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق أحمد قصیر عاملی، بیروت، دار إحياء تراث العربی.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ ق، *الأمالی*، قم، دار الثقافة.
- فضلی، هادی، ۱۳۷۳، *تاریخ قرائات قرآن کریم*، ترجمه سید محمدباقر حجتی، تهران، أسوه، ج ۲.
- فیروزآبادی شیرازی، ابراهیم بن علی، ۱۴۱۲ ق، *المهذب فی الفقه الشافعی*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ج ۱۰.
- قرشی، سید علی‌اکبر، ۱۳۷۷، *تفسیر أحسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت، ج ۳.
- قرضاوی، یوسف، ۱۳۷۹، *الإجتهاذ فی الشریعة الإسلامیة*، أحمد نعمتی، تهران، إحصان.
- قرضاوی، یوسف، ۱۳۸۹، *دیدگاه فقهی معاصر*، ترجمه أحمد نعمتی، قم، دار الحدیث.
- قرضاوی، یوسف، ۱۳۹۶، *فقه پویا (گفتاری در باب روش‌های استنباط احکام فقهی)*، ترجمه عین‌الدین صدیقی، کتابخانه الکترونیکی امین.
- قرضاوی، یوسف، ۱۹۹۹ م، *من فقه الدولة فی الإسلام*، قاهره، مکتبه وهبه.
- قرطبی، محمد بن أحمد، ۱۳۵۳ ق، *الجامع لأحكام القرآن*، قاهره، مطبعة دار الکتب المصریة، ج ۲.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، *الکافی*، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- کاشانی حنفی، علاء‌آبویکر بن مسعود بن أحمد، ۱۴۰۶ ق، *بمنايع الصنائع*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ج ۲.
- محلی، جلال‌الدین و جلال‌الدین سیوطی، ۱۴۱۶ ق، *تفسیر الجلالین*، بیروت، مؤسسه النور.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۸۰، *تفسیر روشن*، تهران، مرکز نشر کتاب.
- مقدسی دمشقی، أبوالقاسم شهاب‌الدین، ۲۰۱۰ م، *إبراز المعانی من حرز الأمانی فی القراءات السبع*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ج ۲.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۲۵ ق، *أنوار الفقاهة*، قم، مدرسه إمام علی بن أبی طالب علیه السلام.
- میدی، رشیدالدین أحمد بن أبی سعد، ۱۳۷۱، *كشف الأسرار و عدة الأبرار*، تحقیق علی‌اصغر حکمت، تهران، امیرکبیر، ج ۵.
- نبیل بن محمد آل‌إسماعیل، ۱۴۱۹ ق، *علم القرائات: نشأته أطواره أثره فی علوم الشرعیة*، مکه، مکتبه التوبة.
- نجفی خمینی، محمدجواد، ۱۳۹۸ ق، *تفسیر آسان*، تهران، اسلامیة.
- ب) ترجمه‌های قرآن کریم**
- آیتی، عبدالمحمد، ۱۳۷۱، *ترجمه قرآن کریم*، تهران، سروش، ج ۳.
- أرفع، سید کاظم، ۱۳۸۱، *ترجمه قرآن کریم*، تهران، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی.
- إسفراینی، أبوالمظفر شاهفور بن طاهر، ۱۳۷۵، *تاج التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم*، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- إلهی قمشای، مهدی، ۱۳۸۴، *ترجمه قرآن کریم*، قم، فاطمه الزهراء علیها السلام، ج ۲.
- أنصاری، مسعود، ۱۳۷۷، *ترجمه قرآن کریم*، تهران، فرزانه‌روز.
- أنصاریان، حسین، ۱۳۸۳، *ترجمه قرآن کریم*، قم، أسوه.
- برزی، أصغر، ۱۳۸۲، *ترجمه قرآن کریم*، تهران، بنیاد قرآن.
- بروجردی، سید محمدابراهیم، ۱۳۶۶، *ترجمه قرآن کریم*، تهران، صدر، ج ۶.
- بهرام‌پور، أبوالفضل، ۱۳۸۳، *ترجمه قرآن کریم*، قم، هجرت.
- بی‌نام، *ترجمه قرن دهم هجری*، تهران، بی‌نا.
- پاینده، أبوالقاسم، ۱۳۳۶، *مقدمه‌ای بر ترجمه قرآن مجید*، تهران، جاویدان.
- پورجوادی، کاظم، ۱۳۷۳، *ترجمه قرآن کریم*، تهران، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، ج ۲.
- حلبی، علی‌اصغر، ۱۳۸۰، *ترجمه قرآن کریم*، تهران، أساطیر.
- خانی، رضا و حشمت‌الله ریاضی، ۱۳۷۲، *ترجمه بیان السعادة فی مقامات العبادة*، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.

- خواجهی، محمد، ۱۳۶۹، ترجمه قرآن کریم، تهران، مولی.
- دهلوی، شاه ولی الله، ۱۴۱۷ ق، ترجمه قرآن کریم، مدینه، مجمع ملک فهد.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۸۳، ترجمه قرآن کریم، قم، دار الذکر.
- رهنما، زین العابدین، ۱۳۴۶، ترجمه و تفسیر رهنما، تهران، کیهان.
- سراج، رضا، ۱۳۶۲، ترجمه قرآن کریم، چ پنجم، تهران، سهامی طبع کتاب.
- شعرانی، أبو الحسن، ۱۳۷۴، ترجمه قرآن کریم، تهران، اسلامیة.
- صادق نوبری، عبدالمجید، ۱۳۹۶ ق، ترجمه قرآن کریم، تهران، اقبال.
- صفارزاده، طاهره، ۱۳۸۰، ترجمه قرآن کریم، تهران، رایانه کوثر، ج ۲.
- طاهری قزوینی، علی اکبر، ۱۳۸۰، ترجمه قرآن کریم، تهران، قلم.
- فارسی، جلال الدین، ۱۳۶۹، ترجمه قرآن کریم، تهران، انجام کتاب.
- فولادوند، محمد مهدی، ۱۴۱۵ ق، ترجمه قرآن کریم، تهران، دار القرآن.
- فیض الإسلام، سید علی نقی، ۱۳۷۸، ترجمه قرآن کریم، تهران، فقیه.
- کاویانپور، أحمد، ۱۳۷۸، ترجمه قرآن کریم، تهران، اقبال، ج ۳.
- گروهی از مترجمان، ۱۳۵۶، ترجمه تفسیر طبری، تحقیق حبیب یغمایی، تهران، توس، ج ۲.
- مجتوبی، سید جلال الدین، ۱۳۷۱، ترجمه قرآن کریم، تهران، حکمت.
- مشکینی، علی، ۱۳۸۱، ترجمه قرآن کریم، قم، الهادی، ج ۲.
- مصباحزاده، عباس، ۱۳۳۷، ترجمه قرآن کریم، تهران، جاویدان.
- معزی، محمد کاظم، ۱۳۷۷، ترجمه قرآن کریم، تهران، علمیه اسلامیة.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳، ترجمه قرآن کریم، قم، دار القرآن الکریم.
- یاسری، محمود، ۱۴۱۵ ق، ترجمه قرآن کریم، تحقیق مهدی حائری تهرانی، قم، بنیاد فرهنگی امام مهدی علیه السلام.

ج) مقاله‌ها

- زمانی، مصطفی، محمدرضا حاجی اسماعیلی و محمدرضا ستوده‌نیا، ۱۳۹۴، «آرزیابی روایات مصافحه پیامبر با زنان با تأکید بر آیه ۱۲ سوره ممتحنه»، علوم حدیث، ش ۷۷، ص ۸۰-۵۹، قم، پژوهشگاه قرآن و حدیث.
- شیروودی، مرتضی و محمدسجاد شیروودی، ۱۳۹۵، «صورت‌بندی گفتمانی پسا اسلام سیاسی در مصر و تونس»، پژوهش‌های سیاسی، ش ۱۷، ص ۶۵-۵۱، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- علیخانی، علی اکبر، ۱۳۸۵، «معرفی و نقد کتاب فقه سیاسی»، دانش سیاسی، ش ۳، ص ۱۸۶-۱۷۷، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- مروجی طبسی، محمدهادی، ۱۳۸۹، «مصافحه؛ چرا و چگونه؟»، فرهنگ کوثر، ش ۸۳، ص ۱۳۰-۱۱۲، قم، آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام.
- همای، عباس، ۱۳۷۳، «اختلاف قرائت و نقش آن در تفسیر»، پژوهش دینی، ش ۷، ص ۶۸-۵۷، تهران، انجمن علوم قرآن و حدیث ایران.
- یاسین، محمدنجم، ۱۴۰۷ ق، «انتفاض الوضوء باللمس»، مجله الشریعة و الدراسات الإسلامية، ش ۶، ص ۲۰۰-۱۷۹، کویت، مجمع النشر العلمی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی